احکام تشریح میّت و پیوند اعضاء

احکام تشریح میّت و پیوند اعضاء

تشریح میت مسلمان و دفن أجزاء

س۱۱۰. بررسی بیماری های قلب و عروق و برگزاری سلسله مباحث راجع به آن، برای کشف مسائل جدید، مستلزم دستیابی به قلب و عروق افرادی است که از دنیا رفته اند، تا معاینه و آزمایش بر روی آنها انجام شود، با توجه به اینکه آنان بعد از آزمایشات و بررسی ها بعد از یک روز یا بیشتر اقدام به دفن آنها می کنند، سؤال این است:
۱ ـ آیا انجام این بررسی ها بر روی جسد فرد مسلمان جایز است؟
۲ ـ آیا دفن قلب و عروقی که از جسد میّت برداشته شده اند، جدا از آن جسد، جایز است؟
۳ ـ با توجه به مشکلات دفن قلب و عروق به طور جداگانه، آیا دفن آن ها همراه با جسد دیگر، جایزاست؟

ج. اگر نجات نفس محترمی یا کشف مطالب جدید علم پزشکی که مورد نیاز جامعه است و یا دستیابی به اطلاعاتی راجع به بیماری که زندگی مردم را تهدید می کند، منوط به آن باشد، تشریح جسد میّت اشکال ندارد، ولی واجب است تا حد امکان از جسد میّت مسلمان استفاده نشود و اجزایی هم که از جسد فرد مسلمان جدا شده اند، در صورتی که دفن آن ها با جسد، حرج[1] یا محذوری نداشته باشد، واجب است با خود جسد دفن شود و الاّ دفن آن ها به طور جداگانه و یا با جسد میّت دیگر جایز است.

تشریح میت برای کشف حقیقت

س۱۱۱. آیا تشریح برای تحقیق در علت مرگ در صورت مشکوک بودن، مانند شک در اینکه میّت بر اثر سم مرده یا خفگی و یا غیر آن، جایز است یا خیر؟

ج. اگر کشف حقیقت متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد.

تشریح جنین سقط شده

س۱۱۲. تشریح جنین سقط شده در تمامی مراحل عمرش، برای دستیابی به اطلاعاتی در علم بافت شناسی، با توجه به اینکه وجود درس تشریح در دانشکده پزشکی ضروری است، چه حکمی دارد؟

ج. اگر نجات جان نفس محترمی یا کشف مطالب پزشکی جدیدی که جامعه به آن نیازمند است و یا دستیابی به اطلاعاتی راجع به یک بیماری که زندگی مردم را تهدید می کند، منوط به تشریح جنین سقط شده باشد، این عمل

جایز است ؛ ولی سزاوار است که تا حد امکان از جنین سقط شده متعلّق به مسلمانان و یا کسی که محکوم به اسلام است استفاده نشود.

برداشتن پلاتین از بدن میّت

س۱۱۳. آیا استخراج قطعه پلاتین از بدن میّت مسلمان از طریق تشریح جسد قبل از دفن، به علت قیمت و کمبود آن، جایز است؟

ج. استخراج پلاتین در فرض سؤال، به شرطی که بی احترامی به میّت محسوب نشود، جایز است.

نبش قبر مسلمان جهت آموزش پزشکی

س۱۱۴. آیا نبش قبور اموات ـ اعم از اینکه در قبرستان مسلمانان باشند یا غیر آنهاـ برای دستیابی به استخوان آنان به منظور استفاده های آموزشی در دانشکده پزشکی جایز است؟

ج. نبش قبور مسلمانان برای این کار جایز نیست ؛ مگر آنکه نیاز فوری پزشکی برای دستیابی به آن ها وجود داشته باشد و دسترسی به استخوان میّت غیرمسلمان هم ممکن نباشد.

برداشتن اعضاء بیمار زنده

س۱۱۵. اگر شخصی مبتلا به بیماری شود و پزشکان از درمان وی ناامید گردند و اعلام نمایند که او به زودی از دنیا خواهد رفت، در این صورت آیا برداشتن اعضای حیاتی بدن او مثل قلب و کلیه و غیره قبل از وفات وی و پیوند آنها به بدن شخص دیگر جایز است؟

ج. اگر برداشتن اعضای بدن او منجر به مرگ وی شود، حکم قتل او را دارد و در غیر این صورت اگر با اجازه خود او باشد اشکال ندارد.

پیوند رگ های میت به بیمار

س۱۱۶. آیا استفاده از عروق و رگ های جسد شخص متوفّی برای پیوند به بدن یک فرد بیمار، جایز است؟

ج. اگر با اذن میّت در دوران حیاتش و یا با اذن اولیای او بعد از مردنش باشد و یا نجات جان نفس محترمی منوط به آن باشد، اشکال ندارد.

پیوند قرنیه میت بدون اذن اولیای میت وثبوت دیه

س۱۱۷. آیا در قرنیّه ای که از بدن میّت جدا شده و به بدن انسان دیگری پیوند زده می شود و در حالی که این کار غالباً بدون اجازه ی اولیاء میّت انجام می شود، دیه واجب است؟ و بر فرض وجوب، مقدار دیه هر یک از چشم و قرنیّه چقدر است؟

ج. برداشتن قرنیّه از بدن میّت مسلمان حرام است و موجب دیه می شود که مقدار آن پنجاه دینار است ؛ ولی اگر با رضایت و اذن میّت قبل از مرگش، برداشته شود، اشکال ندارد و موجب دیه نیست.

استعمال داروهای هورمونی و پیوند بیضه

س۱۱۸. یکی از مجروحین جنگ از ناحیه بیضه هایش زخمی شده، به طوری که منجر به قطع آنها گشته است، آیا استفاده از داروهای هورمونی برای حفظ قدرت جنسی و ظاهر مردانه اش برای او جایز است؟ و اگر تنها راه دستیابی به نتایج مذکور و پیدا کردن قدرت بچه دار شدن، پیوند بیضه فرد دیگری به او باشد، حکم آن چیست؟

ج. اگر پیوند بیضه به بدن او ممکن باشد به طوری که بعد از پیوند و التیام، جزئی از بدن او شود، از جهت طهارت و نجاست اشکال ندارد و همچنین از جهت قدرت بچه دار شدن و الحاق فرزند به او هم مشکلی نیست. استعمال داروهای هورمونی برای حفظ قدرت جنسی و ظاهر مردانگی اش هم اشکال ندارد.

اهداء کلیه در زمان حیات

س۱۱۹. با توجه به اهمیّت پیوند کلیه برای نجات جان بیماران، پزشکان به فکر افتاده اند که یک بانک کلیه ایجاد کنند و این بدین معنی است که افراد زیادی به طور اختیاری مبادرت به اهداء یا فروش کلیه می کنند، آیا فروش یا اهدای کلیه یا هر عضو دیگری از بدن به طور اختیاری جایز است؟ این عمل هنگام ضرورت چه حکمی دارد؟

ج. مبادرت مکلّف در هنگام حیات، به فروش یا هدیه کردن کلیه یا هر عضو دیگری از بدن خود برای استفاده بیماران از آنها در صورتی که ضرر معتنابه برای او نداشته باشد، اشکال ندارد ؛ بلکه در مواردی که نجات جان نفس محترمی متوقف بر آن باشد، اگر هیچ گونه حرج یا ضرری برای خود آن شخص نداشته باشد، واجب می شود.

اهداء اعضا بیمار مرگ مغزی

س۱۲۰. بعضی از افراد دچار ضایعات مغزی غیر قابل درمان و برگشت می شوند که بر اثر آن، همه ی فعالیت های مغزی آنان از بین رفته و به حالت اغمای کامل فرو می روند و همچنین فاقد تنفس و پاسخ به محرّکات نوری و فیزیکی می شوند، در این گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت های مذکور به وضع طبیعی کاملاً از بین می رود و ضربان خودکار قلب مریض باقی می ماند که موقّت است و به کمک دستگاه تنفس مصنوعی انجام می گیرد و این حالت به مدّت چند ساعت و یا حداکثر چند روز ادامه پیدا می کند، وضعیت مزبور در علم پزشکی مرگ مغزی[۲] نامیده می شود که باعث فقدان و از دست رفتن هر نوع شعور و احساس و حرکت های ارادی می گردد و از طرفی بیمارانی وجود دارند که نجات جان آنان منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است، بنابراین آیا

استفاده از اعضای مبتلا به مرگ برای نجات جان بیماران دیگر جایز است؟

ج. اگر استفاده از اعضای بدن بیمارانی که در سؤال توصیف شده اند، برای معالجه بیماران دیگر، باعث تسریع در مرگ و قطع حیات آنان شود، جایز نیست، در غیر این صورت اگر عمل مزبور با اذن قبلی وی صورت بگیرد و یا نجات نفس محترمی متوقف بر آن عضو مورد نیاز باشد، اشکال ندارد.

اهداء اعضا بعد از مرگ و وصیت به آن

س۱۲۱. علاقمند هستم اعضای خود را هدیه کرده و از بدن من بعد از مردنم استفاده شود و تمایل خود را هم به اطلاع مسئولین رسانده ام. آنان نیز از من خواسته اند که آن را در وصیتنامه خود نوشته و ورثه را هم از خواست خود آگاه کنم، آیا چنین حقی را دارم؟

ج. استفاده از اعضای میّت برای پیوند به بدن شخص دیگر برای نجات جان او یا درمان بیماری وی اشکال ندارد و وصیّت به این مطالب هم مانعی ندارد ؛ مگر در اعضایی که برداشتن آنها از بدن میّت، موجب صدق عنوان مثله باشد و یا عرفاً هتک حرمت میّت محسوب شود.

عمل جراحی زیبایی

س۱۲۲. انجام عمل جراحی برای زیبایی چه حکمی دارد؟

ج. این کار فی نفسه اشکال ندارد.

س۱۲۳. در صورتی که عمل جراحی زیبایی برای زنان توسط پزشک مرد مستلزم نگاه کردن و لمس باشد آیا انجام آن جایز است؟

ج. عمل جراحی زیبایی، درمان بیماری محسوب نمی شود و نگاه کردن و لمس حرام به خاطر آن جایز نیست ؛ مگر در مواردی که برای درمان سوختگی و مانند آن باشد و پزشک مجبور به لمس و نگاه کردن باشد.

تشریح جسد مسلمان در صورت نبود جسد کافر

س۱۲۴. با توجه به اینکه در شرایط فعلی به دست آوردن جسد انسان کافر ممکن نیست و از طرفی جامعه اسلامی هم محتاج پزشکانی ماهر و زبردست است تا از این نظر به خودکفایی برسد ؛ لذا خواهشمند است نظر مبارک خود را در مورد تشریح در شرایط فعلی مرقوم فرمایید.

ج. اگر نجات نفس محترمی یا کشف مطالب پزشکی جدیدی که جامعه به آن نیازمند است ویا دستیابی به اطلاعاتی راجع به یک بیماری که زندگی مردم را تهدید می کند، منوط به تشریح باشد، این عمل جایز است ؛ ولی

سزاوار است که تا حد امکان از جسد متعلق به مسلمانان استفاده نشود ؛ لکن در صورت عدم امکان، مانعی ندارد.

تشریح جسد برای تشخیص جرم

س۱۲۵. آیا می توان برای تشخیص جرم در مرگ های مشکوک، کالبد شکافی کرد یا نه؟ آیا قاضی شرع، بدون رضایت ولیّ می تواند اقدام کند؟

ج. اگر کشف حقیقت متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد و اجازه ولیّ شرط است ؛ مگر اینکه کشف حقیقت متوقف بر آن بوده و قاضی نیز آن را لازم بداند.

دیه تشریح میّت مسلمان

س۱۲۶. در تعلیم و تعلم طب، تشریح جسد معمول، بلکه ضروری است. آیا برای این موضوع مهم اجتماعی، تشریح جسد مسلمان جایز است یا نه؟ و آیا موجب دیه می شود یا نه؟

ج. در صورت امکان استفاده از بدن غیر مسلمان، از بدن مسلمان استفاده نشود و در صورت لزوم دیه ندارد.

وصیت به تشریح یا اهدای عضو

س۱۲۷. آیا وصیت قبلی مسلمان در زمان حیات، در مورد استفاده از بدن او برای تشریح یا استفاده از بعضی اعضای او مانند کلیه، قلب و چشم، اثری در حکم جواز و رفع دیه دارد یا نه؟

ج. در مورد تشریح، در صورت لزوم تأثیری ندارد ؛ لکن در استفاده از اعضاء اگر با رضایت و اذن میت قبل از مرگش و یا با اذن اولیاء او بعد از مردنش باشد اشکال ندارد و موجب دیه نیست.

تشریح مرده مشکوک بین اسلام و کفر

س۱۲۸. آیا تشریح جسدی که در اسلام او تردید است، جایز می باشد؟

ج. تشریح مرده مشکوک که راهی برای حکم به اسلام او نباشد، مانعی ندارد.

تجسس در اسلام میّت برای تشریح

س۱۲۹. آیا دانشجوی پزشکی که موظف به تشریح است باید از کم و کیف چگونگی تهیه اجساد برای تشریح آگاهی یابد؟ یعنی تجسس کند که آیا مسائل شرعی رعایت شده یا نه؟ جسد مربوط به مسلمان است یا نه؟

ج. تجسس، لازم نیست.

نگاه به جسد نامحرم و لمس آن در زمان تشریح

س۱۳۰. در صورت جایز بودن کالبد شکافی، حکم عورتین و نگاه نامحرم به بدن میت و مس میت موقع کالبد شکافی را بیان فرمائید؟

ج. اگر درمان بیماری ها و یا نجات نفس محترمی متوقف بر آموزشی باشد که یاد گرفتن آن مستلزم نگاه به عورت دیگران است، اشکال ندارد. اگر میت را غسل نداده باشند در صورت مس کردن آن، غسل واجب بر آن مترتب است.

نظر شیعه و سنی در تشریح جسد مسلمان

س۱۳۱. آیا تفاوتی بین اهل تسنن و اهل تشیع، در عدم جواز تشریح جسد، وجود دارد؟

ج. تفاوتی بین مسلمانان، چه اهل تشیع و چه اهل تسنن نیست.

تشریح جسد مسلمان اعدامی

س۱۳۲. آیا می توان جسد افراد به ظاهر مسلمان (مسلمان شناسنامه ای) را که به خاطر ارتداد، فساد اخلاقی، قاچاق مواد مخدر، مسائل سیاسی و...اعدام شده اند، تشریح کرد؟

ج. از اجساد متعلق به مسلمانان و یا کسی که محکوم به اسلام است استفاده نشود ؛ مگر آن که ضرورت باشد ؛ اما ارتداد محکوم به کفر است و استفاده از جسد او مانع ندارد.

تشریح جسد بی وارث

س۱۳۳. در دانشگاه های علوم پزشکی، از اجساد افرادی که صاحب ندارند، برای تشریح و یادگیری دانشجویان استفاده می شود و یا اعضای آنها را مثل قلب، کبد و کلیه اغلب بدون اجازه صاحبان میت در شیشه ها نگهداری می کنند، لطفاً نظرتان را در این مورد بیان فرمایید؟

ج. نداشتن صاحب، دلیل بر جواز امر مذکور نیست.

خرید جسد کفار

س۱۳۴. با وجود امکان تهیه جسد کافر از خارج که مستلزم تعیین بودجه و خرید آن است، آیا واجب است که مسئولین ذی ربط به آن اقدام نمایند تا از تشریح میت مسلمان جلوگیری شود یا خیر؟

ج. واجب است تا حد امکان از جسد میت مسلمان استفاده نشود.

تشریح جسد مجهول الهویه

س۱۳۵. گاهی اوقات ممکن است جسد مجهول الهویه ای پیدا شود که هیچ اطلاعی از ملیّت و مذهب او وجود ندارد؟ آیا چنین اجسادی قابل تشریح هستند یا نه؟

ج. اگر در بلاد اسلامی، باشد جایز نیست. چون حکم اسلام بر او مترتب است.

پیوند اعضای حیوانات به انسان

س۱۳۶. آیا می توان برای پیوند اعضا از اعضای حیوانات چه حرام گوشت چه حلال گوشت وچه نجس العین برای انسان استفاده کرد؟ لطفاً نظرتان را در این مورد بفرمایید.

ج. مانع ندارد ؛ ولی نماز خواندن با آن اشکال دارد ؛ مگر اینکه از قبیل چیزهایی باشد که دارای حیات است که با پیوند آن به بدن انسان حیات پیدا کند و جزو بدن انسان گردد. و در حکم مذکور تفاوتی میان انواع حیوانات، حتّی نجس العین نیست.

پیوند اعضای مسلمان به غیر مسلمان و برعکس

س۱۳۷. پیوند اعضای مسلمان به غیر مسلمان و برعکس چه حکمی دارد؟

ج. در اهدای عضو جهت پیوند، فرقی نیست که گیرنده مسلمان باشد یا غیر مسلمان.

اهدای اعضای غیر اصلی انسان

س۱۳۸. قطع اعضای غیر رئیسه[۳] از شخص زنده چه حکمی دارد؟

ج. اگر ضرر قابل ملاحظه ای نداشته باشد اهدای عضو مانع ندارد.

پیوند اعضای مرده

س۱۳۹. قطع اعضای مرده در صورت های ذیل چه حکمی دارد؟
۱ـ وصیت کرده بر اینکه اعضای او را پس از مرگ برای پیوند جدا کنند؟
۲ـ وصیت نکرده ولی حفظ جان مسلمان بر آن متوقف است؟

ج. ۱- مانع ندارد.
۲- در این صورت اشکالی نیست.

گرفتن پول در برابر اهدای عضو

س۱۴۰. پول گرفتن در برابر اعضای جدا شده چه حکمی دارد؟

ج. مانع ندارد و می تواند در مقابل واگذاری حق اختصاص یا در مقابل اجازه دادن پول بگیرد.

طهارت و نجاست اعضای پیوندی

س۱۴۱. پس از پیوند عضو حکم آن از نظر طهارت و نجاست در حالات زیر چگونه است؟
۱ـ در ابتدای عمل جراحی که پیوند صد درصد برقرار نشده است.
۲ـ با گذشت زمان که پیوند صد درصد برقرار شده است.

ج. ۱- اگر هنوز میته باشد، نجس است.
۲- چنانچه صدق میته به آن نکند، پاک است.

اهداء عضو زنده شیعه به غیر شیعه یا غیر مسلمان

س۱۴۲. با توجه به اتفاق فقها در حکم حرمت اضرار به نفس، مبنای حکم جواز پیوند اعضاء چیست؟ چنانچه مبنای این حکم اهمیت حفظ جان مسلمان در برابر حرمت اضرار به نفس باشد، این سؤال مطرح می شود که اگر شخص اهدا کننده ی عضو، شیعه و شخص گیرنده ی عضو، غیر شیعه یا غیر مسلم باشد، آیا باز هم حفظ جان چنین شخصی از اضرار به نفس یک شیعه مهم تر است؟

ج. مطلق اضرار به نفس دلیل بر حرمت ندارد و اهدای عضو جهت پیوند به بدن شخص دیگر از مصادیق اضرار به نفس به نحو کلی نیست. زیرا ممکن است برای کثیری از افراد ضرر به همراه نداشته باشد و در اهدای عضو جهت پیوند فرقی نیست که گیرنده مسلمان هم مذهب باشد یا غیر مسلمان، و اگر نجات جان گیرنده ی مسلمان متوقف بر پیوند عضو باشد، چنانچه برای دهنده ضرر معتنابه نداشته باشد، چه بسا واجب است که اهدا کند و یا بفروشد.

---

۱. مشقت زیاد

۲. مرگ مغزی به وضعیت غیر قابل بازگشت همه عملکردهای مغز اطلاق می شود. درچنین وضعیتی همه ی سلول های مغز در اثر نرسیدن اکسیژن تخریب می شوند.

۳. اعضای غیر حیاتی.